یادداشت روز

به قلّه‌ها نزدیک شده‌ایم...

در جنگ ترکیبی، خبری از حمله نظامی نیست و دستور کار اصلی بمباران افکار عمومی است. در این جنگ، ذهن انسان‌ها به میدان نبرد تبدیل می‌شود.

بر همین اساس، یکی از کاروژه‌های اصلی دشمن، ایجاد «اختلال محاسباتی» در افکار عمومی مردم ایران و همچنین ایجاد اختلال در نظام محاسباتی مسئولین است. اگر دستگاه عملیات روانی دشمن را به یک «موتور» تشبیه کنیم، سوخت این موتور «یأس آفرینی، ناامیدسازی و القای بن‌بست» است.

رهبر معظم انقلاب از ابتدای سال جاری تاکنون در ۷ سخنرانی مجزا، درباره «امید» سخن گفته‌اند. وقتی فرمایشات حضرت آقا در سال جاری درباره کلیدواژه امید را در کنار هم قرار می‌دهیم، یک نقشه راه نمایان می‌شود. در حقیقت این فرمایشات همانند تکه‌های یک پازل است که وقتی آنها را در کنار هم قرار می‌دهیم، تصویری روشن و واضح، نمایان می‌شود.

قطعا سؤالات مختلفی درباره امید در ذهن من و شما و دیگر مردم عزیز ایران وجود دارد. برای مثال، این سؤال مطرح است که چرا با وجود مشکلات مختلف و از جمله مشکلات معیشتی، از امید سخن می‌گوییم؟ امید چه نسبتی با «حرکت» و کار جهادی و شبانه‌روزی دارد؟ وظیفه مسئولان در این میان چیست؟ مردم چه وظیفه‌ای دارند؟ امید و «ایمان» چه رابطه‌ای با یکدیگر دارند؟ امیدآفرینی چه نسبتی با «مبارزه با فساد» دارد؟ یک «استاد دانشگاه» و یا یک «کارآفرین» چگونه در امیدآفرینی یا القای یأس تأثیرگذار است؟ آیا ایران کشوری «بی‌آینده» است؟ چرا امروز ملّت ایران، «غرب‌گراها» را تحقیر می‌کند؟ چرا می‌گوییم امید در دل امام خمینی(ره) یک «عنصر دائمی» بود؟ امید چه تفاوتی با تصوّرات و «خیالات فریبگر» دارد؟ آیا همه مردم ایران در حال «مهاجرت» هستند؟ و... با مطالعه ادامه این وجیزه، پاسخ این سؤالات را دریافت می‌کنید.

۱- هیچ‌کس منکر این نیست که مشکلات مختلف و از جمله مشکلات معیشتی در کشور وجود دارد. اما «مشکلات نباید امید را تضعیف کند. ما اگر مشکلات را مشاهده می‌کنیم، باید انگیزه‌مان تقویت بشود برای پیدا کردن راه‌های رفع مشکل و کمک به آنهایی که در میدان، در مقابل این مشکلات ایستاده‌اند و برای رفع آنها دارند تلاش می‌کنند. البتّه ما مشکلاتی داریم امّا در مقابل آن، پدیده‌هایی داریم که همه امیدآفرین است. من به جوان‌های عزیزمان عرض می‌کنم که دشمن نمی‌خواهد بگذارد که ما این پدیده‌های امیدآفرین را ببینیم. پدیده‌های امیدآفرین به مراتب بیشتر از مشکلات است.» (بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی؛ ۱۴ خرداد)

۲- قطعا امید، نسبت مستقیمی با عملکرد مسئولان دارد. «همه مسئولان کشور امروز موظّفند کار جهادی کنند، شبانه‌روزی کار کنند و خستگی نشناسند. ما فصل مُشبعی (مفصلی) را حرکت کرده‌ایم؛ این سربالایی، این شیب تند را عبور کرده‌ایم، به قلّه‌ها نزدیک شده‌ایم. نباید خسته بشویم. امروز روز خسته شدن نیست، روز ناامید شدن نیست؛ امروز روز شوق است، روز امید است، روز حرکت است؛ مسئولین کشور در بخش‌های مختلف باید با این روحیه حرکت کنند» (دیدار با فرماندهان سپاه؛ ۲۶ مرداد ۱۴۰۲)

۳- و البته مردم نیز در این میان مسئولیت مهمی بر دوش دارند. «همه بدانیم موفّقیّت‌های بشر، کمالات بزرگ، پیشرفت‌های گوناگون، امیدهای برآورده‌شده، همه از بطن تلاش‌ها زاییده می‌شود، از بطن سختی‌ها به وجود می‌آید. با راحت‌طلبی و نشستن یک گوشه و تماشا کردن و حسرت خوردن و آه کشیدن و احیاناً نق زدن، کاری پیش نمی‌رود. باید سختی را تحمّل کرد، باید تلاش کرد، باید کار کرد تا به موفّقیّت رسید. اینکه آدم به قلّه یک کوه که یک عدّه‌ای آن بالا رفته‌اند، نگاه کند، بگوید ما هم می‌خواهیم آنجا باشیم، کافی نیست. اگر می‌خواهید به آنجا برسید، باید رنج حرکت از این مسیر را بر خودتان هموار کنید؛ وَ الّا به آنجا نمی‌رسید. (بیانات در دیدار کارکنان و خانواده‌های ناوگروه ۸۶ ارتش؛ ۱۵ مرداد ۱۴۰۲)

تک‌تک ما مردم ایران باید برای رفع مشکلات آستین‌ها را بالا بزنیم، «من درس می‌خوانم برای اینکه بنا دارم ده‌ها سال دیگر در این کشور عمر کنم، زندگی کنم و صدها سال دیگر فرزندان من و نوه‌های من و ذرّیّه من و هم‌میهنان من در این کشور زندگی کنند؛ من می‌خواهم مشکلات را برطرف کنم؛ درس می‌خوانم برای اینکه مشکل را برطرف کنم؛ مبارزه می‌کنم برای اینکه مشکل را برطرف کنم»؛ جواب جوان مسلمان این است. (بیانات در دیدار رمضانی دانشجویان؛ ۲۹ فروردین ۱۴۰۲)

۴- امید و ایمان دو روی یک سکه است. وقتی من و شما ایمان روشنی به مبدأ حقیقی و به خدای متعال داشته باشیم، این شعله امید در دل ما روشن خواهد بود و خاموش نمی‌شود؛ به عنوان نمونه، «امید در دل امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) یک عنصر دائمی بود. امید، موتور حرکت امام بزرگوار بود...امید امام ناشی از ایمان او بود... امید و ایمان روی هم اثر می‌گذارند. ایمان، امیدآفرین است و تحقّق امیدها، ایمان را افزایش می‌دهد.» (بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی؛ ۱۴ خرداد ۱۴۰۲)

۵- به نظر شما، یک «استاد دانشگاه» و یا یک «کارآفرین» چگونه در امیدآفرینی یا القای یأس تأثیرگذار است؟ «ما می‌دانیم که مشکلاتی در داخل وجود دارد و ما این مشکلات را می‌دانیم امّا اینجور نیست که این مشکلات، جوان دانشجوی پُرانگیزه را ناامید کند. جوان دانشجوی پُرانگیزه جور دیگری ناامید می‌شود؛ آن وقتی که استاد یا مثلاً فرض کنید فلان آدمی که تعهّدی ندارد، می‌نشیند پای دل جوان ـ به صورت فردی و البتّه همین کار به شکل دیگری به صورت جمعی و گسترده انجام می‌گیرد ـ که «شما به چه دلخوشی‌ای اینجا درس می‌خوانی؟ ول کن برو»! به جوان مبارز می‌گوید: «شما با دلار قیمت فلان قدر، تورم چندساله فلان مقدار، به چه امید و به چه دلخوشی‌ای اینجا درس می‌خوانی، کار می‌کنی؟». ناامیدی اینجوری وارد می‌شود؛ این اثر می‌گذارد.». (بیانات در دیدار رمضانی دانشجویان؛ ۲۹ فروردین ۱۴۰۲)

«یک مثال دیگر؛ مثلاً فرض کنید چهار نفر سرمایه‌دار یا کارآفرین کشور را ترک کردند، پولشان را برداشته‌اند و رفته‌اند یک کشور دیگر. می‌گوید «آقا ببین! به چه امید شما می‌خواهی اینجا فعّالیّت اقتصادی بکنی؟ دارند می‌روند»! خب بله، چهار نفر رفته‌اند، چهل نفر مانده‌اند و دارند فعّالیّت می‌کنند. هزاران شرکت دانش‌بنیان دارد به‌وجود می‌آید، جوان‌ها دارند به کار جذب می‌شوند؛ واقعیّت‌های جامعه اینها است.». (بیانات در دیدار رمضانی دانشجویان؛ ۲۹ فروردین ۱۴۰۲)

۶- قطعا حرکت به سمت پیشرفت و ترویج امید، سرعت‌گیرها و موانعی هم دارد. یکی از این موانع که به‌شدت «امیدسوز» هم هست، «فساد اقتصادی» است. «بنده حدود بیست سال پیش یک نوشته مشروحی در باب مبارزه با فساد دادم؛ مربوط به سال ۸۰، ۸۱. در آن نوشته گفتم که مبارزه با فساد پیگیری می‌خواهد؛ به قول این داستان‌ها و افسانه‌ها، مثل مار هفت‌سر، اژدهای هفت‌سر است که یک سرش را بزنی، شش سر دیگرش آن طرف زنده‌اند، مشغول کارند. همه‌جانبه باید مبارزه کرد. اگر از آن روز دولت‌های محترم و مسئولین محترم این قضیّه را دنبال می‌کردند، بلاشک ما امروز وضع بهتری داشتیم. خب حالا بحمدالله امید این هست که دولت مردمی و مجلس انقلابی این کار مبارزه با فساد را دنبال کنند. (بیانات در دیدار کارگران؛ ۹ اردیبهشت ۱۴۰۲)

۷- امید، تفاوت فاحشی با «خیالبافی» دارد. چرا؟ «وقتی می‌گوییم امید، نباید امید را با تصوّرات و خیالات فریبگر اشتباه کرد. امید یعنی آن حالتی که با حرکت همراه است؛ با تنبلی و سکون نمی‌سازد. کسی که امید دارد به اینکه به سرمنزل برسد، راه می‌رود. اینکه کسی بنشیند و در عین حال امیدوار باشد که به منزل خواهد رسید، این نشدنی است. (بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی؛ ۱۴ خرداد ۱۴۰۲)

۸- امید، علاوه‌بر حرکت و تلاش به «عقلانیت» و «آرمان‌خواهی» هم نیاز دارد. در حقیقت اینها در کنار هم به مثابه اجزای یک موتور قدرتمند عمل می‌کنند. «آرمان‌خواهی موتور پیشران حرکت است؛ امید، سوخت این موتور است؛ اگر امید نباشد، این موتور حرکت نمی‌کند، آرمان‌خواهی در دلش می‌ماند و غصّه‌اش را می‌خورد. عقلانیّت هم فرمان این موتور است؛ باید با عقلانیّت فکر کنید و خردورزی کنید و پیش بروید. (بیانات در دیدار رمضانی دانشجویان؛ ۲۹ فروردین ۱۴۰۲)

۹- جریان غربگرا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، با هدف قرار دادن روحیه خودباوری و اعتماد به‌نفس ملت، به شکلی انبوه و گسترده و پس از انقلاب نیز به شکلی محدودتر و مقطعی مردم را مورد تحقیر و تمسخر قرار می‌داد. اما «امروز ملّت ایران، غرب‌گراها را تحقیر می‌کند. امروز ملّت ما کسانی را که دارای آن فکر و آن توهّمات هستند، دارد تحقیر می‌کند... به عنوان مثال امروز امکانات و پیشرفت هسته‌ای ما ـ یعنی موجودی هسته‌ای ما ـ از صد برابر بیست سال پیش بیشتر است؛ یعنی امروز ما بیش از صد برابر سال ۸۲ که آغاز چالش هسته‌ای ما با غرب است و تحریم‌هایِ پشت سر هم و مانند اینها موجودی هسته‌ای داریم؛ آنهایی که اهل فنّند و مطّلعند، این‌جوری قضاوت می‌کنند. این واقعیّت کشور ما است... این تحقیر غرب‌گراها است؛ این نشان دادنِ خطای بزرگ آنها است که می‌خواستند بباوَرانند که ملّت ایران توانایی ندارَد.» (دیدار دانشمندان، متخصصان، کارشناسان و مسئولان صنعت هسته‌ای؛ ۲۱ خرداد ۱۴۰۲)

۱۰- آیا مصادیق «پیشرفت و امید» فقط به صنعت هسته‌ای محدود می‌شود؟ پاسخ منفی است. «پیشرفت‌های کشور در عرصه علم، در عرصه فنّاوری، در ایجاد زیرساخت‌های صنعتی و کشاورزی، در ایجاد ساختارهای بسیار مهمّ حمل‌ونقل، پیشرفت‌های کشور در تربیت نیروی انسانی، در کشاندن فعّالیّت‌های عمرانی به نقاط دوردست و محروم کشور، در سیاست بین‌المللی، در اعتلا و عزّت ملّی، در اقتدار نظامی و دفاعی کشور؛ اینها حقایق امیدزا است؛ دشمن می‌خواهد ما این حقایق را فراموش کنیم، از یادمان ببریم، جوان ما از اینها مطّلع نشود. این واقعیّت‌ها از آینده روشنی خبر می‌دهد. (بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی؛ ۱۴ خرداد)

۱۱- خداوند متعال در آیه ۱۳۹ سوره مبارکه آل عمران می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (و سست نشوید و غمگین نگردید و شما برترید اگر ایمان داشته باشید). آینده متعلق به ماست؛ آینده‌ای با افق‌های روشن.

مسعود اکبری

تحلیلگر سعودی: در تفاهم اخیر با آمریکا، ایران پیروز شد واشنگتن قابل اعتماد نیست

یک تحلیلگر سعودی توافق اخیر آمریکا و ایران برای آزادسازی بخشی از اموال ایران در مقابل آزادی چند جاسوس را پیروزی ایران توصیف کرد و نوشت، درسی که از این توافق باید گرفته شود این است که آمریکا قابل اعتماد نیست.

خالد آل همیل، تحلیلگر و روزنامه‌نگار باسابقه سعودی که از مخالفان ایران و حزب الله در منطقه است، به خبر توافق اخیر تهران و واشنگتن برای آزادسازی بخشی از پول ایران در کشورهای دیگر در مقابل آزادی چند جاسوس آمریکایی واکنش نشان داد.

مشاور روزنامه «الجزیره» عربستان سعودی در مطلبی که در شبکه اجتماعی «ایکس» (توییتر سابق) منتشر کرد نوشت، «روشن است که نمی‌شود با دولت دموکرات آمریکا، جز با فشار و چالش تعامل کرد.

گواه این امر هم این است که ایران توانست موافقت آمریکا برای آزادی شماری از زندانیانش در واشنگتن و دسترسی به بیست میلیارد دلار [از پول‌هایش] در عراق را به دست آورد. همچنین ایران به نُه میلیارد دلار از پول‌های بلوکه شده‌اش دست می‌یابد.»

رئیس مرکز مطالعات و مشاوره رسانه‌ای در ریاض، ادامه داد: «همچنین ایران برای حفظ ذخایر اورانیوم غنی‌شده و غنی‌سازی در سطح ۶۰ درصد، موافقت آمریکا را کسب کرد تا در مقابل همه اینها فقط پنج ایرانی با تابعیت آمریکایی را آزاد کند.»

آل همیل در ادامه، سوالی مطرح کرد و پاسخ داد: «چه کسی پیروز شد و چه کسی شکست خورد و خاک را لیسید [پوزه‌اش به خاک مالیده شد]؟ بله، [جو] بایدن و دولت او؛ ایران هم پیروز شد.»

این تحلیلگر سعودی از کشورهای عربی خواست تا از این تفاهم درس بگیرند و به دولت آمریکا اعتماد نکنند. او نوشت: کشورهای عربی از این توافق آمریکا و ایران چه درسی باید بگیرند؟ بله؛ عدم اعتماد به دولت آمریکا و اینکه گزینه کشورهای عربی و در رأس همه، عربستان، تعامل با شرق و غرب بر اساس منافع خودشان باشد نه منافع آمریکا.»

گزارش الشرق الاوسط از مذاکره بین ایران و عربستان

طارق الحمید روزنامه‌نگار عربستانی با انتشار یادداشتی در روزنامه «الشرق الاوسط» به تحلیل دیدار «حسین امیرعبداللهیان» وزیر امورخارجه جمهوری اسلامی ایران با «محمد بن سلمان» ولی‌عهد سعودی پرداخت.

الحمید درباره تغییر مواضع عربستان در منطقه و نسبت به سال‌های گذشته خاطرنشان کرد: ریاض دیگر کمک مالی ارائه نمی‌دهد، وقت خود را در میانجیگری‌های بیهوده منطقه‌ای تلف نمی‌کند و با گروه‌های شبه نظامی به مذاکره نمی‌نشیند. در واقع، همان‌طور که من همیشه گفته‌ام، عربستان سعودی «قطع روابط را سوت زد» تا باب گفت‌وگو را با همه از جمله ایران باز کند. سایر رسانه‌های عربستانی هم از جمله پایگاه خبری-تحلیلی عکاظ، روزنامه الریاض، روزنامه الشرق الاوسط، روزنامه الاقتصادیه، روزنامه سعودی گازت، روزنامه العرب نیوز و روزنامه الیوم در دو روز گذشته، به تحلیل خروجی‌های دیدار ولی‌عهد سعودی با هیات ایرانی پرداخته و توسعه روابط دوجانبه و گسترش همکاری‌های آتی را دو محور مهم این دیدار توصیف کردند.

وزیر امورخارجه جمهوری اسلامی ایران، روز پنجشنبه (۱۷ آگوست)، در پاسخ به دعوت رسمی «فیصل بن فرحان» همتای سعودی به ریاض سفر کرد؛ امیرعبداللهیان روز بعد سفری به جده داشت و طی آن با محمد بن سلمان دیدار و گفت‌وگو کرد.

به گزارش فارس خبرگزاری رسمی دولت عربستان گزارش داد که ولی‌عهد سعودی و وزیر امورخارجه جمهوری اسلامی ایران درباره راه‌های توسعه روابط تهران-ریاض و همچنین تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی گفت‌وگو کردند.

امیرعبداللهیان:

نفوذ، کودتا، تحریم اقتصادی، جنگ سخت و نرم ابزار نظام سلطه برای سرکوب اراده کشورهای مستقل است

وزیر امور خارجه با بیان اینکه بازخوانی کودتای ۲۸ مرداد نشان می‌دهد که واکنش استعمار قدیم و نوین به گرایش‌های آزادیخواهانه و استقلال‌طلبانه ملت‌ها از یک مدل ثابت پیروی می‌کند و ارتباطی با کیفیت دولت‌های مستقر ندارد، گفت: نفوذ، کودتا، تحریم اقتصادی، جنگ سخت و نرم، ابزار نظام سلطه برای سرکوب اراده کشورهای مستقل است.

۷۰ سال پیش در چنین ایامی کودتای آمریکایی- انگلیسی رخ داد. در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دولت مصدق با مداخله و طراحی دولت‌های انگلیس و آمریکا و عوامل داخلی آنها سرنگون شد.

در همین ارتباط حسین امیرعبداللهیان رئیس دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در پُستی در صفحه اجتماعی «ایکس» نوشت: بازخوانی کودتای ۲۸ مرداد نشان می‌دهد که واکنش استعمار قدیم و نوین به گرایشات آزادیخواهانه و استقلال‌طلبانه ملت‌ها از یک مدل ثابت پیروی می‌کند و ارتباطی با کیفیت دولت‌های مستقر ندارد.

وی یادآور شد: نفوذ، کودتا، تحریم اقتصادی، جنگ سخت و نرم، ابزار نظام سلطه برای سرکوب اراده کشورهای مستقل است.

ناصر کنعانی سخنگوی وزارت امور خارجه نیز در صفحه خود در شبکه اجتماعی «ایکس» به زبان انگلیسی نوشت: ۷۰ سال پیش یک دولت ملی در ایران با کودتای مورد حمایت آمریکا و انگلیس، سرنگون شد.

وی حمایت از دیکتاتورها، مداخله در امور داخلی کشورها، سرکوب جنبش‌های آزادیخواهانه و سازماندهی و طراحی کودتاها را از اصول و پایه‌های سیاست‌های آمریکایی و انگلیسی خواند که به کرات توسط این کشورها تکرار می‌شود.

فشار بیشتر دولت و مردم آلبانی به تروریست‌ها

اینترنت مقر منافقین در آلبانی قطع شد

دولت آلبانی در جدیدترین اقدام خود برای محدودسازی فعالیت‌های تروریستی و سایبری منافقین، شبکه اینترنت مقر اشرف۳ را قطع کرده است.

دولت آلبانی در جدیدترین محدودیت خود برای منافقین در تیرانا، شبکه اینترنت مقر اشرف۳ را قطع کرده است.

یک منبع آگاه امنیتی عنوان داشت: این اقدام برای جلوگیری از فعالیت‌های تروریستی منافقین صورت گرفته است و در پی آن، اعضای این گروهک مجبور به استفاده از اینترنت سیم‌کارت و برخی روش‌های غیرقانونی دیگر شده‌اند.

این دومین ضربه اساسی دولت آلبانی در ماه‌های گذشته به یگان سایبری منافقین است.

پلیس ضدشورش این کشور، خردادماه سال جاری نیز با ورود به مقر اشرف۳، تعداد زیادی از کامپیوترها، سرورها و هارددهای متعلق به یگان سایبری منافقین را با خود بُرد.

منافقین پس از اخراج از عراق و انتقال به آلبانی که موجب دور شدن آنها از مرزهای ایران و محدودیت شدید آنها برای انجام عملیات‌های تروریستی در داخل کشور شد، بیشترین تمرکز خود را به‌روی اقدامات سایبری و فعالیت‌های جاسوسی و جذب در فضای مجازی قرار دادند.

گفته می‌شود، سرورهایی که از این گروهک توقیف شده، حاوی اطلاعات زیادی خصوصاً درباره رابطین منافقین در داخل کشور بوده که بنا بر گفته برخی منابع، این اطلاعات به ایران نیز منتقل شده است.

با توقیف تجهیزات یگان سایبری منافقین، اعضای این گروهک ناچار به شیفت‌بندی برای استفاده از تعداد محدود سیستم‌های باقی‌مانده شده‌اند.

اقدام مردم آلبانی علیه منافقین

علاوه بر این، در پی اعتراضات شدید مردم آلبانی به‌خصوص در شهر دورس و روستای مانز که از حواشی امنیتی حضور منافقین در خاک خود نگران هستند، برخی اقدامات خودجوش علیه منافقین صورت گرفته است که در نتیجه آن، پلیس آلبانی اقدام به مراقبت‌های ۲۴ساعته در قالب گشت‌های چند نفره در این منطقه کرده است.

طی روزهای اخیر، پلیس آلبانی با نصب کیوسک‌هایی در ورودی‌های اشرف۳، تردد در این اردوگاه را هم به‌شدت محدود کرده است و همه رفت‌وآمدها باید زیر نظر پلیس انجام شود.

به‌سمت فروپاشی

وضعیت منافقین خصوصاً پس از حمله پلیس آلبانی به مقر آنها در خردادماه که منجر به افشای اسنادی مبنی بر برنامه‌ریزی جهت اقدامات تروریستی در خاک ایران و اقدامات تروریسم سایبری با همکاری موساد علیه ایران شد، اوضاع را برای کنترل اعضای این گروهک بسیار سخت کرده است و سران منافقین با یک بحران بی‌سابقه مواجه شده‌اند.

برخی مقامات ارشد منافقین اخیراً در جلسه‌ای محرمانه، با اشاره به وضعیت پیش‌آمده و همچنین افزایش بی‌سابقه انتقادات صریح از سوی نیروها، از تعبیر «فروپاشی تشکیلاتی» استفاده کرده‌اند.

این فروپاشی به‌ویژه پس از فرار «بیجار رحیمی» از اعضای قدیمی این گروهک و افشاگری وی علیه منافقین، روند تندتری گرفته است و بسیاری از اعضای رده‌پایین و حتی برخی مقامات رده‌بالا خواهان جدایی هستند و همین امر فشار و سخت‌گیری بیشتر به‌روی بدنه را افزایش داده است.

اخیراً فرشته شجاع عضو شورای مرکزی منافقین در یکی از نشست‌های این گروهک با هدف ایجاد رعب و وحشت و جلوگیری از فرارهای دیگر عنوان کرده است که هر کسی مانند بیجار رحیمی از مقر فرار کند با دولت آلبانی هماهنگ می‌کند که عنصر فراری را به عنوان یک عضو غیرقانونی شناسایی و تحویل ایران دهند.

این سخنان البته نتوانست اعضای ناراضی و مسئله‌دار منافقین را قانع کند و برخی از آنها گفته‌اند که «اگر روابط سازمان با دولت آلبانی در این سطح بود، حداقل گشت‌ها و ایست و بازرسی‌های اطراف و داخل مقر تعطیل می‌شد.»

وضعیت بحرانی گروهک منافقین البته با مرگ‌های مشکوکی در هفته‌های اخیر نیز همراه بوده است.

به گزارش تسنیم، ازجمله افرادی که به این شکل کشته شدند، «عبدالوهاب فرجی» با نام مستعار «علی مستشاری» بود که در جریان حمله پلیس آلبانی به قتل رسید و برخی معتقدند او به دلیل برخی اختلافات با سران گروهک و با صحنه‌سازی توسط آنها کشته شده است.

خبر ویژه

بهزاد نبوی مجبور شد انتقادش از مرض چپ روی اصلاح‌طلبان را پس بگیرد

بهزاد نبوی، تحت فشار برخی اصلاح‌طلبان، از اظهاراتش در گفت‌وگو با مجله آگاهی نو عقب‌نشینی کرد.

او ضمن ارائه توضیحی نوشت: اخیراً مصاحبه این‌جانب با مجله آگاهی نو که با تیتر «مخالف تفکر انقلابی هستم» در کنار مباحثی در مورد جبهه اصلاحات و تحولات درون اصلاح‌طلبان، موجب شبهات و سوء برداشت‌ها و حتی سوءاستفاده‌هایی شده که لازم می‌دانم چند نکته کوتاه برای رفع شبهات و سوءبرداشت‌های احتمالی بیان کنم.

وی می‌افزاید: آنچه من بیان کرده‌ام ارتباطی با تحولات در مدیریت جبهه اصلاحات نداشته و ندارد. این‌جانب به‌خاطر سن و سال و شرایط جسمانی خودم که انجام مسئولیت‌های سنگین را برایم دشوار کرده است، از چند ماه پیش از تغییرات هیئت‌رئیسه جبهه اصلاحات، متقاضی کناره‌گیری از ریاست جبهه بودم. تغییرات انجام شده در هیئت‌رئیسه جبهه اصلاحات نیز بر اساس مقررات و ضوابط جبهه و به‌صورت دموکراتیک صورت گرفته است و این‌جانب نیز در این فرآیند حضور داشته‌ام و در تداوم راه هم به عنوان عضوی در این جبهه فعال خواهم بود و از هیچ تلاشی برای تقویت آن فروگذار نخواهم کرد.

او همچنین نوشت: «به عنوان کسی که هزینه زیادی برای تاسیس نظام شایسته‌تر در کشور داده است، نقد تمایل به راه‌انداختن انقلابی دیگر و ترویج خشونت در میان بخشی از فعالان سیاسی و به ویژه جوان‌ترها در جامعه مطرح است و تبیین آن را، وظیفه خود می‌دانم، و این تحلیل حاصل تجربیات بیش از ۶۰ سال فعالیت‌ام در صحنه سیاست کشور است و لازم می‌دانم تاکید کنم که دیدگاه مورد نقد من مصداقی در میان چهره‌های اصلی و سرشناس اصلاح‌طلب که من می‌شناسم، ندارد».

یادآور می‌شود بهزاد نبوی در گفت‌وگو با آگاهی نو اذعان کرده بود برخی مجموعه‌های اصلاح‌طلب، دچار مرض بچه‌گانه چپ روی شده‌اند: «تصور می‌کنم برخی افراد در بدنه اصلاح‌طلبان طی یک سال گذشته، به این نتیجه رسیده‌اند که کار دارد تمام می‌شود پس بگذارید ما برای حرکت‌های بعدی خودمان را آماده کنیم و جا باز کنیم در حرکت بعدی. استنباط من این بود. حالا نمی‌دانم چقدر درست است و چقدر غلط. ولی احساس می‌کنم که نگران بودند که سرشان بی‌کلاه بماند».

وی با انتقاد از مرض تندروی بچه‌گانه افزوده بود: «من تفکر چپ‌روانه را قبول ندارم. خیلی از کارهایی که انجام می‌شود چپ روی است؛ چون وقتی کاری بکنیم که عاقبت آن را ندانیم چه می‌شود، همین‌طور دیمی حرکت کنیم، اسمش می‌شود چپ‌روی... خدا بیامرزد مرحوم شاعیان را که با هم مبارزه مسلحانه می‌کردیم، در نقد چپ‌روی در آن زمان می‌گفت «این‌ها چپ نیستند، لوچ‌اند یعنی چشم‌هایشان تابه‌تا می‌بینند و نمی‌شود اسم این‌ها را چپ گذاشت». واقعا ما الان هم دچار مرض بچه‌گانه چپ‌روی هستیم. یعنی کسانی که لوچ‌اند... در مجموعه خودمان هم می‌بینیم، نه این‌که فکر کنید منظورم نیروهای بیرون از مجموعه است، به آن‌هایی که کف خیابان بودند کاری ندارم. در مجموعه‌های خودمان هم لوچ داریم».

نبوی همچنین درباره انتخاب آذر منصوری به عنوان رئیس‌جدید جبهه اصلاحات اظهار کرده بود: «در جبهه اصلاحات یک زن که فعالیت سیاسی گسترده‌ای هم از گذشته داشته، رئیس شده است که مبارک است ولی بعضی از دوستان تصورشان این است که با شعار جوانگرایی یا استفاده از خانمها، جوان‌های کف خیابان به سمت ما خواهند آمد که من چنین تصوری ندارم».

یادآور می‌شود روزنامه اصلاح‌طلب آرمان خرداد ماه گذشته فاش کرده بود: «نبوی آبان سال گذشته اعلام کرد قطعا نمی‌توانیم با معترضان کف خیابان که شعارهای براندازانه می‌دهند، همسو شویم. بحث محافظه‌کاری نیست؛ ما شعارهای آنان را قبول نداریم. ما می‌خواهیم در چارچوب نظام، اصلاح کنیم. نمی‌خواهیم دینامیت زیر ساختمان بگذاریم. این اظهارات، انتقاداتی را در پی داشت».

چنان که روشن است اظهارات نبوی در گفت‌وگو با آگاهی نو کاملا شفاف و مصداقی و با ارائه استدلال بوده و بنابراین توضیح مبهم بعدی وی، ضمن این که اظهارات قبلی را رد نمی‌کند، بوی تحت فشار قرار گرفتن می‌دهد.

همچنین حسین مرعشی اواخر اسفند ۱۴۰۱ فاش کرد: «آقای نبوی همیشه در شرایط اجماع آرا رئیس می‌شد. اگر اجماع نباشد، ایشان از پذیرش مجدد مسئولیت پرهیز می‌کند. جبهه اصلاحات چند عضو حقوقی دارد که به رغم این که اقلیت خیلی کوچکی هستند اما صدای خیلی بلندی دارند. آنها گاهی اوقات مطالبی را می‌گویند که شنیدن این نوع پرخاش‌ها خیلی شایسته نبوده است. از این جهت برای ایشان دلخوری به وجود آمده است».

در همین زمینه روزنامه همدلی در مطلبی با عنوان «عبور از خاکریز چریک پیر» نوشته بود: «به نظر می‌رسد نوبت به نبوی رسیده که مواضعش به شدت مورد انتقاد قرار بگیرد. او به هم‌میهن گفته «ما اصلاح‌طلبان نمی‌توانیم با معترضان کف خیابان که شعار براندازانه می‌دهند، همسو شویم. ما شعارهای آنان را قبول نداریم. ما می‌خواهیم در چارچوب نظام، اصلاح کنیم. نمی‌خواهیم دینامیت زیر ساختمان نظام بگذاریم». این اظهارات، با واکنش کسانی مواجه شد که از او عبور کرده‌اند».

برخی اصلاح‌طلبان نمی‌خواهند ثبت‌نام در انتخابات را علنی کنند

نماینده سابق مجلس از طیف اصلاح‌طلبان گفت: افراد نزدیک به خاتمی، سیدحسن خمینی و لاریجانی و... پیگیری کرده‌اند تا افرادی برای نامزد در انتخابات مجلس ثبت‌نام کنند.

کمال‌الدین پیرموذن که خودش هم ثبت‌نام کرده می‌گوید برخی افراد اصلاح‌طلب در این مرحله پیش‌ثبت‌نام کرده‌اند اما نمی‌خواهند علنی کنند.

او به خبرآنلاین گفت: شخصا با خیلی از عزیزان ارتباط داشتم و در قالب مجمع کاندیداهای انتخاباتی اصلاح‌گرایان اقوام ایران‌زمین برای جمع کردن بساط تندروی‌ها و تمامیت‌خواهی جبهه پایداری و جریان شریانی و بهاری‌های تندرو با خیلی‌ها در ارتباط بودیم و جلسات مکرری داشتیم. در جلساتی که با برخی از این آقایان مثل جهانگیری، مرعشی، باهنر، لاریجانی و... داشتیم قرار بود برای حضور بیشتر افرادی که نام برده بودم تلاش‌هایی صورت گیرد و آقای جهانگیری به جد تا حصول نتیجه نهایی پیگیر باشند.

وی درباره جهانگیری گفت: جهانگیری به من قول داد برای حضور افراد رایزنی خواهد کرد، من گفتم چون آقای لاریجانی نیست جهانگیری را به‌عنوان رئیس بیاوریم و با ایشان صحبت کردم. آخر فرمایش ایشان این بود که من در ۲۶سالگی نماینده بوده‌ام و بعد استاندار، وزیر و معاون رئیس‌جمهور بوده‌ام، مشخص بود که ایشان خودش را بیشتر نیروی اجرایی می‌داند و از این جهت کوتاه آمدیم.

پیرموذن می‌افزاید: بنده پیشنهادم این بود به لحاظ اینکه ترس و دلسری افراد ناشی از عدم مشارکت در کلانشهرها و در پایتخت برای انتخابات پیش‌رو زیاد است، آنها از زادگاه‌شان کاندیدا شوند. با آقای مطهری و پزشکیان هم در این خصوص صحبت کردم. صادقانه می‌گویم اگر هسته مسائل را همه متوجه بشوند اسم سیاست، سیاست نمی‌شود.

وی درباره این ارزیابی که «اکثر افرادی که شما اشاره کرده بودید، پیش‌ثبت‌نام خود را رد کردند»، اظهار کرد: اطلاعات ما می‌گوید بیشتر آنها بجز آقای کواکبیان کاندیدا شده‌اند. با خیلی‌ها صحبت کردم و هیچ‌کس هم از زاویه «نه نمی‌آیم» به من پاسخ نداد. یعنی کسی نگفت نه نمی‌شود. ما نهایتا در جلسات تعامل می‌کردیم و سعی می‌کردیم به نتیجه برسیم. مثلا آقای مطهری می‌گفت آقای پیرموذن بد است من بروم و از قم کاندید بشوم اما من گفتم راه‌حل این است.

در مورد آقای حضرتی دو نفر از همکاران خودشان در روزنامه اعتماد به ما این خبر (ثبت‌نام) را دادند. باز هم تکرار می‌کنم، شاید برخی از آنها ثبت‌نام کرده‌اند و نمی‌گویند. مثلا آقای مجید انصاری به من زنگ زده بود و می‌گفت چرا اسم من را مطرح کرده‌اید.

به نظرم در یک کلمه بعضی‌ها کاندید شده‌اند و مطرح نمی‌کنند و بعضی‌ها هم شاید در آخر به این نتیجه رسیده‌اند که شاید مشارکت در کلانشهرها و تهران به زور نیست. اما برخی افرادی که من پیگیر بودم خوشبختانه همه کاندیدا شدند.

پیرموذن گفت: بنده به جد پیگیر هستم که بتوانیم ۱۷۰ کاندیدا را بعد از تایید صلاحیت مورد حمایت قرار دهیم و فضا برای آنان که مشکل محکومیت ندارند، در قالب قانون اساسی فعالیت سیاسی و اجتماعی دارند، پاک‌سرشت و کاربلد هستند، مورد قبول حاکمیت هستند و... فراهم شود. من با عبارت‌های متعدد در افکار عمومی به گوش انسان‌های نخبه و زنان و جوانان رساندم که خوشبختانه در بین عزیزان در شهرستان‌های متوسط این اتفاق افتاد که کاندیداتوری انسان‌های نخبه و زنان و جوانان کلید خورده است و مورد قبول همه قرار گرفته است.

وی در پاسخ این پرسش که «دعوت به کاندیداتوری فقط از افراد وابسته به جریان اصلاحات بود یا اعتدالیون و طیف‌های دیگر را هم شامل می‌شد؟» گفت: تا آنجا که من در جریان بودم افرادی نزدیک به آقایان خاتمی، سیدحسن خمینی و لاریجانی و... پیگیر بودند که نخبگان و شایستگان کاندیدا شوند. معتقدم همه باید در جمع کردن بساط جبهه پایداری که مخالفت جمهوریت نظام هستند فعال باشیم